



و الله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم

امام خمینی (ره)

پیروزی انقلاب اسلامی در کنار رهبری حضرت امام (ره) چراغی بود برای پیمودن مسیر حق و عدالتخواهی که رهروان این مسیر توده مردم و تمام قشرها بوده و هستند. در طول این سالها امام ورهبری تمام جریانهای منحرف کننده مردم عزیز این انقلاب از مسیر را از گروهک های منافقین و تجزیه طلب تا انحرافات نزدیکان را مدیریت کرده و با آنها برخورد کرده اند. در زمره این افراد که از انقلاب ریزش داشته اند مقاماتی حضور دارند که در کارنامه سابق خود زندان و تبعیدهایی را در راه انقلاب می بینیم که باور انحرافات و قدرت طلبی ایشان جز با مرور کارنامه عملکردهایشان و جز با رجوع به تاریخ و خواندن سرنوشت افرادی که در صدر اسلام بوده اند و سرنوشت مشابه ایشان پیدا کرده اند، امکان پذیر نیست. از جمله این افراد آقای منتظری هستند که در گذشته خود سابقه جایگاه قائم مقام رهبری را نیز دارند. از جمله مهم ترین دلایل انحرافات ایشان به دو واقعه مهم و تاریخی میتوان نام برد که قدرت طلبی و طمع جایگاه در محوریت تمام اینهاست. حمایت از باند سید مهدی هاشمی معروف به گروه ضربت که از جمله فعالیتهای اثبات شده این گروه میتوان به فعالیتهای خرابکارانه، آدم ربایی، ترور افرادی چون آیت الله شمس آبادی و بحرینیان و انتشار شایعات و اختفای سلاح نام برد. که منتظری علی رغم تذکرات مکرر و دلسوزانه امام علاوه بر اعطای جایگاه های متعدد به این گروه پس از اثبات فعالیتای خرابکارانه شان باز هم از ایشان حمایت کرده و فرمودند: سید مهدی هاشمی آدم درستی است و او را فردی سودمند می شناسم. از جمله موارد دیگر میتوان به رخداد های سال ۶۷ و حمایتشان از گروهک های تروریستی منافقین و... نام برد.

گاهنامه فرهنگی - اجتماعی تشکل خط امام

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد مهدی شاطر

سر دبیر: جواد امیری پور

هیئت تحریریه: محمد مهدی شاطر - شیما رحیمی - فاطمه مودب - راضیه ثانی - سید محمد امین منولیا

طراح و صفحه آرا: شیما رحیمی

آرمانخواه

سال چهارم، شماره نهم
آذرماه ۹۷

در این شماره می خوانید:



دختر خیابان انقلاب همدست تحریم ها / ۴



ادب مرد به ز دولت اوست! / ۳



معاونت فرهنگی وزارت بهداشت؛ مرکز تولید تشکل های دولت ساخته / ۲

جوانان روشنفکر

شما جوانان روشنفکر است که از پای نشینید تا خواب رفته ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت ها و جنایت های استعمارگران و پیروان بی فرهنگ آنها غفلت زده ها را آگاه نمایید.

صحیفه نور ج ۲، ص ۱۴۲

هراس زمستان

آمی در متن قدرت، التهاب فردا را دارد و در بهار، رنج پاییز و هراس زمستان را به دل می کشد. اینطور نیست که امکانات و قدرت و ثروت، امن و آرامش را فراهم کند. آن جا که احساس می کنی تو یا بهار رفتنی هستید، چه امنی می تواند ریشه بگیرد؟
تطهیر با جاری قرآن، ج ۱، ص ۴۲۴.

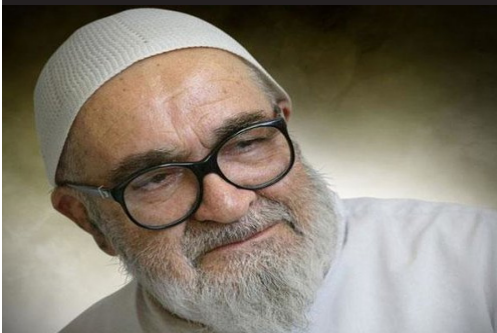
نفوذ دشمن

مهم این است که در هر دورهای از دورهها ما بفهمیم دشمنی دشمن چگونه است و چه کار دارد با ما میکند؛ نقشه دشمن را بفهمیم؛ درست مثل جنگ نظامی. در جنگ نظامی اگر شما توانستی حدس بزنی که نقشه دشمن چیست، پیشگیری میکنی، خودت را آماده میکنی؛ یا دفاع خوب میکنی یا حمله ای پیش دستانه میکنی؛ در جنگ نظامی اینجوری است. در جنگ تبلیغاتی، در جنگ اقتصادی، در جنگ فرهنگی، در جنگ امنیتی، در جنگ نفوذ - اینها همه جنگ است - در همه ای اینها قضیه این است: باید حدس بزنی دشمن چه کار میخواهد بکند. امام خامنه ای (مد ظله العالی)

#امام_نامه مروری بر جملات تاریخی حضرت امام (ره) خطاب به آقای منتظری

نامه ها و سخنرانی های منافقین که به وسیله شما از رسانه های گروهی به مردم می رسد؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان - روحی له الفدا - و خون های پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.

سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرال ها نریزد. از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد. دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند.



به نقل از خبرنگار نامه دانشجویان ایران در گفتگو با عضو سابق کمیته‌ی ناظر بر نشریات و وزارت بهداشت، عنوان شد؛ **معاونت فرهنگی وزارت بهداشت؛ مرکز تولید تشکلهای دولت ساخته**



این روزها معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منبع تولید اخبار جنجالی تبدیل شده است. از پایگاه خبری مفدا که تبدیل به رسانه برخی جریان‌های خاص سیاسی شده تا فعالیتهای بی سروصدای معاون فرهنگی این وزارتخانه در حوزه تشکلهای سازی. به همین مناسبت به سراغ حیدر رئیس‌یان، عضو سابق کمیته‌ی ناظر بر نشریات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رفته ایم تا واقعیتهای پشت پرده این معاونت جنجالی را بشنویم.

تشکل سازی به سبک وزارت بهداشت

* آقای رئیس‌یان طی چند ماه اخیر شاهد هستیم که به یکباره موج تشکلهای در دانشگاههای پزشکی کشور به راه میافتد. برخی شنیده‌ها هم از دخالت مستقیم معاونت فرهنگی وزارت بهداشت در این موج سازی خبر میدهند. این موضوع چقدر صحت دارد؟

چند نکته در مورد سیاست‌های فرهنگی و سیاسی وزارت بهداشت که باید بدانید. اولاً وزارت بهداشت و درمان که میزان از دانشجویان کل کشور را شامل میشود اما همواره با مسائل و حواشی با خود به دنبال دارد از طرح تحول سلامت و رفتارهای وزیر که بگذریم، معاونت فرهنگی و دانشجویی آن نیز بی حاشیه نیست. یکی از آن حواشی رشد قارچ گونه‌ی تشکلهای ها به ویژه تشکلهای همسوا با دولت و همچنین کانون‌های دولت ساخته است.

سال گذشته معاونت فرهنگی و دانشجویی و مجموعه متبوعه ایشان در وزارت بهداشت و درمان بصورت گروهبانی به دانشگاه‌های علوم پزشکی سرکشی میکردند تا از نزدیک با مشکلات دانشجویان و دانشگاه آشنا شوند و در صدد رفع آنها برآیند. اما این یک روی سکه بود. به عنوان کسی که از نزدیک با آنها برخورد داشتیم، آنها بیشتر به دنبال آن بودند که آیا دانشگاه‌ها تشکلهای اصلاح طلب دارند یا خیر؟ وگرنه به مسئولین دانشگاه دستور میدادند که در جهت تشکیل این چنین تشکلهای هم فکر خود اقدام کنند.

کانون سازی و حمایت از یک جریان سیاسی به سبک وزارت بهداشت

* یعنی معاونت فرهنگی خود مستقیماً به تشکل سازی اقدام کرده است؟

بله. بگونه‌ای که مسئول تشکل‌ها و کانون‌های وزارت بهداشت پس از پایان دوره‌ی مسئولیت خود صراحتاً به آن اذعان میکنند که توانسته تشکل‌های اصلاح طلب را در

اصولاً تشکیل تشکل و یا کانون فرهنگی بر این منوال است که عده‌ای از دانشجویان در چارچوب قانون و با دارا بودن شرایط درخواست شکل‌گیری کانون یا تشکل را میدهند اما متأسفانه اوضاع بر عکس شده است. ابتدا کانون‌هایی که در صورت ایجاد در دانشگاه توسط وزارت بهداشت امتیاز فرهنگی دریافت میکنند، تشکیل میشوند، سپس کارشناس‌ها و مسئولین فرهنگی فراخوانی میزنند و برای آن شورای مرکزی جمع‌آوری میکنند. درحالی‌که زمینه‌های فعالیت آن کانون با سایر کانون‌هایی که چه بسا خود از نبود رنج میبرند، مشترک می‌باشد و همین عامل باعث جدا شدن فعالین فرهنگی از هم و بجای کار تشکیلاتی، مجبور به کار بصورت تکی میشوند. و پس از مدتی هم دیگر فعالیتی ندارند و بصورت راکد در می‌آیند.

مفدای با طرف!

* مسئله دیگر که به حواشی فعالیت معاونت فرهنگی این وزارتخانه دامن زده، فعالیت پایگاه خبری مفدا هست. گویا جهتگیری این پایگاه خبری به سمت یک جریان خاص نه تنها جزو وظایف که میشود گفت تنها وظیفه آن است.

یکی دیگر از حواشی مربوط به روابط عمومی معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه‌های علوم پزشکی که تحت عنوان مفدا هست، که همواره همراه با حواشی فراوان چه در تاسیس و چه در ادامه کار بوده است. این پایگاه اطلاع‌رسانی که با شعار پوشش دادن فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی دانشگاه‌ها بدون جهت‌گیری اعلام میکرد، شکل گرفت اما در حال حاضر مفدای وزارت بهداشت با سوگیری واضح فعالیت‌های تشکل‌های منتقد دولت را پوشش نمیدهد یا بصورت کاملاً گزینشی که حتی در جهت تخریب آنها استفاده میکند.

در حقیقت عدم جهت‌گیری سیاسی در وزارت بهداشت بیشتر شبیه جُک است تا عمل.



دانشگاه‌های علوم پزشکی چند برابر کند! همچنین در حوزه‌ی کانون‌های فرهنگی نیز سیاست غلطی را به دانشگاه‌ها ابلاغ میکنند که آنها را به تشکیل کانون‌های فرهنگی جهت کسب امتیاز فرهنگی بیشتر، موظف میکنند، بگونه‌ای که در دانشگاه‌های کوچک نه تنها موجب رشد فعالیت‌های فرهنگی نشده بلکه برعکس با شقه کردن فعالین فرهنگی و پخش آنها موجب رکود فعالیت‌ها شده‌اند.



إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّهْدِينِ

انقلاب...

این کلمه را بسیار شنیده ایم و هر کدام از آن تصویرهایی کشیده ایم. آیا مایل هستید تا آن را باز تر و روشن تر بررسی کنیم؟

انقلاب با درک فاصله میان آنچه هستی و آنچه که باید باشی شروع می شود و به عصیان و هجوم و حماسه و ... طرح ریزی می انجامد.

ما برای این طرح ریزی راهی را برمی گزینیم که رسولان رفتند. رسول کارش را از بینش تاریخی و طبقاتی و سیاسی شروع نمی کرد، با فیلم و اسلاید و معرکه گیری و با کلاس های جهان بینی و ایدئولوژی و شناخت مکاتب و تفسیر قرآن و نهج البلاغه شروع نمی کرد که ما شروع کرده ایم و با بازی های بی حاصل خودمان را مشغول نموده و به وازدگی و خستگی رسیده ایم.

کتاب های «انتظار، تقیه و قیام» قصد دارد ما را با راه و روش رسولان آشنا گرداند.

همه تا جایی که برایمان ممکن است و تا آنجا که دست مان میرسد! از وظیفه خود کم می گذاریم و ظلم میکنیم، راحت طلبیم و بجای درست ترین راه، آسان ترین را انتخاب میکنیم.

در واقع خود مایی که تا اسم دزدی و بی عدالتی می آید ناله میکنیم که ای داد این چه وضع نابسامانی ست، شناگر ماهری هستیم، راه های دزدیدن و سو استفاده کردن را خوب آموخته ایم، فقط موقعیت اختلاس و دزدی نداریم!

شک نکنید اگر در جایگاه آن اختلاس گر ملعون! قرار بگیریم از او حرفه ای تر دزدی میکنیم.

اعضای جامعه وارداتی نیستند! اگر بخواهیم جامعه را تغییر دهیم باید ابتدا از خود شروع کنیم و از کوتاهی های خود کم کنیم، هر کس در هر جایگاهی باید بهترین باشد.

دانش + جو هستیم! اما بجای کسب دانش، به زور شب امتحان و تقلب نمره میگیرم!

پرسنل بیمارستان م، خدمت رسانی ام به آشنایان با بقیه تفاوت فاحشی دارد.

استاد دانشگاه م، تدریسم به روخوانی از اسلاید خلاصه میشود.

یک کارمند م، ساعت حل جدولم از ساعت مفید کاری ام بیشتر است!

یک همسرم، تا بحال برای آشنایی با زندگی مشترک نه دوره ای دیده و نه کتابی خوانده ام.

زن خانه دار م، نه به جدا کردن زباله های خشک و تر اهمیت میدهم و نه تهیه محصولات ارگانیک.

یک والد م، اما هیچ اطلاعاتی در مورد تربیت درست فرزندم ندارم.

ادب مرد به ز دولت اوست!

مملکت است از این نماینده مجلس تقاضا داریم که لطفاً به دانشگاه برنگردند.



شورای اسلامی از بخش سراوان جناب آقای درازهی در جریان مشاجره با کارمند اداره کمرگ با الفاظ رکیکی ایشان را خطاب قرار دادند و پس از آن نیز فیلمی از جلسه غیر علنی مجلس در فضای مجازی پخش شد که ایشان می گویند اگر با این نماینده کمرگ و وزیر اقتصاد برخورد نشود به دانشگاه بر می گردند! از آنجا که دانشگاه ساحت مقدسی است و نمود بارز علم و ادب این

متأسفانه چندی است شاهد پدیده توهین مسئولین به مردم به بهانه های مختلف هستیم از رئیس جمهور که رکورد دار دادن القاب زشت به منتقدان هست تا وزیر سابق راه و شهرسازی و وزیر بهداشت که هر از چندگاهی به جای شنیدن یک دستاورد از ایشان شاهد برخورد های ارباب و رعیتی این طیف با مردم هستیم در آخرین مورد نماینده لیست تدبیر و امید در مجلس



گمنام تر از گمنام



مطلب علی علیزاده تحلیلگر سیاسی

* ۱۰ ماه پیش روی سکوی برقی در تهران رفت

* بواسطه شبکه های اجتماعی بمب خبری شد

* فعالان زنان داخلی به او مشروعیت سیاسی دادند

* به کمک BBC و من وتو و مسیح علی نژاد قهرمانسازی شد

* از کشور خارج شد

* تبدیل به چهره مشروعیت ساز تحریمها شد

تک تک شما که برایش کف زدید حالا همدست تحریمها هستید



اخبار تشکل خط امام

نتایج شمارش آرا سومین دوره انتخابات تشکل خط امام دانشگاه علوم پزشکی قم:

آقای محمد جواد حسینی ۴۸ رای	محمد حسین کاظمی ۳۷ رای
سید محمد امین متولیا ۴۶ رای	طاهر صادق پور ۳۴ رای
علی مصباحی ۴۳ رای	سید مهدی مهاجرانی ۲۶ رای
محمد امین افشانی ۳۹ رای	

و در اولین جلسه شورای مرکزی تشکل خط امام در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۹۷ بر اساس تصمیم اعضا جناب آقای سید محمد امین متولیا به سمت دبیر و جناب آقای محمد جواد حسینی به سمت نائب دبیر انتخاب شدند.

ایلام را از من بگیرند... آدم را که نباید از خانه اش دور کنند، هر کسی حق دارد انتخاب کند که کجا زندگی کند و با که همسایه شود... مگر نه؟! در مظلومیت شما همین گمنامی کافی بود اما نمیدانم اشکال از کدامان است که شرمندۀ ایم که حتی بین ما هم مظلومید... و شرمندۀ ایم که هر روز شرمندۀ ایم! قریب یکسال است که شما را دعوت کرده ایم و هنوز که هنوز است بساط میهمانی را کامل نچیده ایم! هنوز نه سقفی نه ستونی... تا مجبور نشویم و گذرمان به آن سو نیفتد یاد شما نمی افتیم دیگر هوس فاتحه خواندن یا زیارت کردن که جای خود... هنوز غربتتان را درک نکرده ایم... شده ایم مثل آن فرد غافلی که با غفلتش، هشیاران و بیداران را ناراحت و ملول میکند. نمیدانم مادر تان الان کجاست، آیا در قید حیات است؟ چگونه روزگار گذرانده یا میگذراند؟ اگر بود حتما یک تنه جور این همه آدم خاکی دانشگاه را میکشید و نمی گذاشت تنهایی را حس کنید، مادرها خوب میفهمند این چیزها! ما بد میزبانی کردیم تا به حال و شما چه سعه صدری داشتید و چه بزرگواری کردید که حتی نخواستید با ما قهر کنید، حتی از آن هم بیشتر، ما را زیر بال و پر خود گرفتید و نمی گذارید دنیا ما را کامل در خود فرو ببلعد، مطمئنم هزار گاهی که مسیرمان به سوی مزارتان می افتد هم شما خودتان خواسته اید دیداری تازه کنیم، تا کمی پر پروازمان را قوی کنید، تا کمی گرد و خاک طوفانهای دنیا را از چهره مان پاک کنید و چشمهامان را برای دیدن حقایق باز کنید! از شما ممنونم... و باز هم شرمندۀ...

بسم حبیب... قریب یکسال است که دلم را حوالی خوزستان جا گذاشته ام... آخر انقدر هوایش کرده بودید که کاردستم دادو در اتوبوس راهیان دیگر نتوانستم برای خودم نگهش دارم و بی دل تر از همیشه به شهر برگشتم! حالا میتوانم دست کم ادعا کنم که تقریباً فهمیدم که چرا شما رفتن را به ماندن ترجیح دادید و چرا در خوزستان و چرا بی نام و نشان...! و چرا... و چرا...

حالا دست کم این عبارات را بهتر میفهمم:

«این نام یک اشارت کوتاه از سرزمین نخل و نورو پریدن است از سرزمین زخمی خوزستان از سرزمین راز شهادت از سرزمین فرصت پرواز.»

این رسم عاشقی ست...! قریب یکسال است که میزبان شما مییم، نه، از هر جهت که فکرمیکنم شما میزبانان بهتری بودید... دوست ندارم هیچ گاه فراموش کنم آن لحظات پر شور و شوق و لذت بخش انتظار تان را. احساس میزبان شما شدن، احساس همسایه و هم جوار شما شدن را نمیتوانم با هیچ چیز دنیایی عوض کنم. خواستم مظلومیت شمارا در چند سطر قلم بزنم... فکر کردم چه چیز را اول بگویم... اصلاً چه چیز را بگویم؟!... از کجا شروع کنم؟! اصلاً همین که اسمتان شهید گمنام است یعنی یک دنیا مظلومیت! همین بی نشانی، همین غربت بزرگترین مظلومیت هارا می نمایاند... میدانم... خوب میفهمم چرا خواستی گمنام بمانی! شاید اگر خودم هم به جای تو می بودم دلم نمیخواست هیچ گاه خاک خوزستان و ارتفاعات کرمانشاه و